گزارش

زهرا چیذری

سند ملی مبارزه با پشه آئدس برای پیشگیری از گسترش بیماری تب دانگ ابلاغ شد

این پشه می‌خواهد کرونا را تکرار کند!

پشه آئدس، عامل ابتلا به بیماری تب دانگ است و شناسایی زودهنگام بیماران حائز اهمیت بوده و باید توجه داشته‌باشیم که کنترل این بیماری مانند مالاریا ساده نیست و نیازمند تلاش همه‌جانبه است

ماجرای کرونا و یک بیماری ویروسی که توانست برای مدت بیش از دو سال دنیا را فلج کند، نشان داد که چالش بشر فقط بیماری‌های غیر واگیر نیست. حالا هم درست در شرایطی که می‌خواستیم از کرونا نفس راحتی بکشیم سر و کله یک پشه پیدا شده که ممکن است همه‌گیری تازه‌ای را به‌وجود بیاورد! پشه آئدس مهاجم، گونه‌ای از پشه‌های آئدس است که می‌تواند عاملی برای انتقال بیماری تب دنگی باشد و افزایش بیماران مبتلا به این بیماری موجب شده تا وزارت بهداشت هشدار دهد و حتی سند ملی مبارزه با پشه آئدس برای پیشگیری از گسترش بیماری تب دانگ را ابلاغ کند؛ ماجرایی که نشان می‌دهد اگرچه سرعت گسترش بیماری تب دنگی به اندازه کرونا نیست، اما این بیماری می‌تواند چالش تازه‌ای برای نظام سلامت به حساب بیاید و باید در برابر آن هشیار بود.

خاستگاه پشه آئدس کشور ما نیست. پشه آئدس مهاجم قسمتی از آسیای جنوب شرق و بخشی از آفریقا آمده‌است، اما از ۱۰، ۱۵ سال پیش یک‌سری اقداماتی را به واسطه هشدارهای سازمان جهانی بهداشت در کشورمان انجام شده‌است. اردیبهشت ماه امسال اما به واسطه برخی از مسافرانی که به امارات و دبی رفته بودند، این بیماری به کشورمان وارد شده‌است. در حال حاضر بر اساس آخرین آمار اعلام‌شده از سوی وزارت بهداشت و درمان ابتلای ۱۲۲ نفر در کشور به این بیماری تأیید شده که شش مورد آن در بندر لنگه شناسایی و بقیه از خارج کشور مبتلا شده‌اند. از میان مبتلایان تاکنون سه نفر فوت کرده‌اند.

بیماری وارداتی

آنطور که معاون بهداشت وزارت بهداشت می‌گوید، بیشتر مبتلایان به بیماری تب دانگ از کشورهای امارات، عمان و پاکستان وارد ایران شده و البته تعدادی از این بیماران نیز ایرانیانی هستند که به کشورهای همسایه سفر کرده و مبتلا شده‌اند. طبق توضیحات وی از سال ۱۳۹۵، برنامه مراقبت از پشه آئدس در کشور آغاز شد و از سال ۱۳۹۹ که مواردی از ابتلا به بیماری عفونی تب دانگ در کشور پاکستان گزارش شد و ما اقداماتی که در رابطه با شناسایی محل‌های زندگی پشه آئدس و سمپاشی این محل‌ها انجام می‌شد، بیماری‌یابی در مبادی ورودی کشور نیز به مراجع ذی‌ربط را ابلاغ کردیم.

بعید است کرونا تکرار شود

عبدالرضا میراولیائی، مدیر برنامه مدیریت بیماری‌های منتقله از آئدس مهاجم در وزارت بهداشت هم در پاسخ به این سؤال «جوان» که آیا بیماری دانگ و تب دانگی شبیه ماجرای کرونا می‌شود، می‌گوید: «خیلی بعید است پاندمی جهانی داشته‌باشیم. البته ما به بیمارستان‌ها هشدار داده‌ایم تا ظرفیت‌سازی کنند.» به گفته وی میزان مرگ در تب دانگی ۲/۵ درصد است.

میراولیائی تأکید می‌کند: «این بیماری‌ها درمان قطعی ندارند و درمان‌های مراقبتی و حمایتی است، اما باید تحت‌نظر پزشک باشند تا تبشان پایین بیاید و شاخص‌های خونی‌شان کنترل شود، فعلاً درمان اختصاصی در دنیا ندارد.»

بهروز ترابی، ویروس‌شناس هم در این رابطه می‌گوید: «متأسفانه درمان مشخصی برای این بیماری وجود ندارد و نشانه‌های آن هم مانند ابتلا به سرماخوردگی اما با دمای تب بالا و دردهای شدید استخوانی همراه است. به همین دلیل بیش از هر چیز باید بر پیشگیری از ابتلا به آن تمرکز داشته باشیم. برای پیشگیری از انتقال بیماری لازم است محیط رشد پشه‌ها نامن و شرایط زیست و تخم‌گذاری آنها از بین برود. همچنین استفاده از لباس‌های بلند و رنگ روشن، استفاده از توری برای پنجره‌ها و درها و استفاده از اسپری‌های دورکننده حشرات در کاهش انتقال بیماری کمک‌کننده است».

ترابی با اشاره به اینکه تب دنگی بیماری شناخته‌شده‌ای است که در بیش از ۱۴۰ کشور به آن آلوده هستند توضیح می‌دهد: «فرد مبتلا به تب دانگی خیلی سریع باید قرنطینه شود که در معرض گزش مجدد پشه قرار نگیرد تا عامل انتقال بیماری به فرد دیگری باشد. همچنین علائم این بیماری سردرد، کمردرد و پشت‌درد، تب معمولاً شدید و در برخی موارد خارش و جوش در قسمت‌های مختلف بدن است.»

خلاصه اینکه ماجرا آنقدر جدی است که حسین فرشیدی، معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از ابلاغ سند ملی مبارزه با پشه آئدس برای پیشگیری از گسترش بیماری تب دانگ به دستگاه‌ها خبر می‌دهد.

هشدار سازمان جهانی بهداشت

به گفته معاون وزیر بهداشت، شیوع این بیماری در کشورهای گرمسیری و نیمه‌گرمسیری رو به گسترش است و نیمی از جمعیت جهان در معرض خطر ابتلا به این بیماری قرار دارند به طوری که سازمان جهانی بهداشت در خصوص مراسم اربعین و حضور زائران بیش از ۴۰ کشور در این مراسم، تقویت و به‌روز بودن نظام مراقبت از بیماری‌ها را به این کشورها به منظور تشخیص زودهنگام و پیشگیری از شیوع بیماری‌های واگیردار اخطار داده‌است.

طبق تأکید وی پشه آئدس، عامل ابتلا به بیماری تب دانگ است و شناسایی زودهنگام بیماران حائز اهمیت بوده و باید توجه داشته‌باشیم که کنترل این بیماری مانند مالاریا ساده نیست و نیازمند تلاش همه‌جانبه است.

پیشگیری از تکثیر و تکرار کرونا

پیشگیری همیشه مهم‌تر از درمان است و درباره پشه آئدس و بیماری تب دانگی هم می‌توان کارهایی را انجام داد تا از تکثیر پشه آئدس مهاجم و بیماری تب دانگی جلوگیری کرد.

دکتر میراولیائی درباره راهکارهای پیشگیری از این بیماری اینگونه توضیح می‌دهد: «اولاً مهم‌ترین عامل در جلوگیری از استقرار پشه آئدس مهاجم، ناامن کردن محل برای زیست پشه است. بهداشت و بهسازی محیط و پاکیزگی محیط‌زیست و پیرامون بسیار مهم است و نباید ماندآب داشته‌باشیم. این مهم‌ترین کار برای پیشگیری است.»

مدیر برنامه مدیریت بیماری‌های منتقله از آئدس مهاجم در وزارت بهداشت به مردم توصیه می‌کند از مردم مسافرت‌های غیرضروری به مناطق آلوده در خارج از کشور به خصوص کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و امارات در رأسش پرهیز کنند. همچنین در صورت سفر لباس مناسب روشن که بدن به خصوص پاها را بپوشاند، از نکات دیگری است که باید مورد توجه قرار بگیرد. افراد توجه کنند در مناطقی که ساکن هستند، توری محافظ داشته‌باشد. استفاده از قلم‌های ضد پشه هم می‌تواند مؤثر باشد. همچنین در این مناطق کمپ نزنند. نکته بسیار مهم اینکه اگر افراد علائم بیماری را پیدا کردند، اگر وارد کشور شده‌اند تا دو هفته حتماً به نزدیک‌ترین مرکز درمانی مراجعه کنند و به پزشک بگویند که سابقه سفر به امارات یا مناطقی که درگیر این پشه هستند، داشته‌اند. این برای شناسایی سریع بیماری خیلی مهم است و افرادی که آلوده می‌شوند، چون ویروس داخل خونشان است، پشه با گزش این افراد می‌توانند آلودگی را منتقل کنند. اگر این مسائل رعایت شود، انتقال بومی یا محلی را می‌توانیم نداشته‌باشیم. این بیماری پتانسیل این را دارد که تعداد زیادی از افراد را درگیر کند، اما می‌شود با این راهکارها آن را کنترل کرد.

گفت‌وگو

سجاد آذری

استاد سواد رسانه در گفت‌وگو با «جوان» عنوان کرد

کمپین نامزدها مهم‌ترین علت پایین بودن مشارکت

محمد لسانی: همه اجزای رقابت سیاسی و کنش انتخاباتی باید بازنگری و بازطراحی شود

مرتضی فخری‌نژاد | صداوسیما

دور اول انتخابات برگزار شد و اکنون در حال طی کردن روند مناظرات مرحله دوم بین دو طرفی هستیم که به این مرحله رسیده‌اند. در این شرایط نگاهی داشته‌ایم به کنش‌های تبلیغاتی که در این زمان انجام شده و در گفت‌وگو با محمد لسانی، مروج سواد رسانه و مدرس کشوری رسانه، اقدامات تبلیغاتی را که در کاهش مشارکت عمومی در انتخابات مؤثر بوده آسیب‌شناسی کرده‌ایم.

در شرایطی که مشارکت در دوره اول انتخابات به اندازه کافی نبود و البته فرصت بسیار محدودی هم تا انتخابات مانده در این زمان محدود آیا رسانه‌ها می‌توانند کاری برای تشویق افراد به مشارکت انجام دهند؟

عملاً رسانه‌ها سه کارکرد اصلی می‌توانند داشته‌باشند. کارکرد اول فضاسازی انتخاباتی و ایجاد شور و نشاط در جامعه برای افزایش مشارکت است. کارکرد دوم آشنایی جزئی‌تر با نامزدها و دیدگاه‌های آنهاست که این مسئله در مناظرات و گفت‌وگوها می‌تواند جزئی‌تر بیان شود و باید به مشخصات و ویژگی‌های اصلی هر کدام از نامزدها برسند و نکته سوم که مهم است و آن را کمتر می‌بینیم، مسئله انعکاس صدای مردم و برنامه‌های زمان‌بندی‌شده و تعهدهای نامزدها در کوتاه‌مدت و درازمدت است. به نظر می‌رسد این سه در کنار هم می‌تواند فضایی را ایجاد کند تا افراد در انتخابات حاضر شوند.

این کارها از رسانه‌های رسمی مانند صداوسیما و مطبوعات گرفته تا رسانه هایی که امروزه به آنها غیررسمی هم نمی‌توانیم بگوییم چون فضای مجازی هم رسمیت پیدا کرده‌است و باید به آنها رسانه‌های نسل نو و رسانه‌های جدید بگوییم باید انجام شود. این رسانه‌ها اکنون گسترش پیدا کرده و باید حتماً نظام بگیرند تا از طریق آنها مردم به قوت نظر و تفاوت‌های نامزدها نسبت به همدیگر اشراف پیدا کنند.

چقدر این رسانه‌ها در دوره‌های قبلی مخصوصاً در مسئله مناظرات مؤثر بودند؟

من مهم‌ترین مسئله‌ای که می‌بینم، این است که باید مناظرات گذشته را آسیب‌شناسی کنیم، بسیاری از مردم مستندات نامزدها را ندیدند، بسیاری از مردم برنامه‌های کارشناسی را ندیدند، چون برنامه‌های کارشناسی حتی تا سطحی است که اگر برای دانشجویان یا استادان دانشگاه هم بگذارید، ممکن است جذابیت نداشته‌باشد، ولی برای عموم مردم خیلی مهم است که به سراغ اصل مسئله برویم و اصل مسئله را بدون حواشی و زواید به شکل رک و صریح بیان کنیم. با توجه به همه این مسائل در آسیب گذشته مهم‌ترین ضعف را اول از همه در برنامه ریزی، هویت و انسجام کمپین‌ها انتخاباتی نامزدها می‌بینم. رسانه پیرو کمپین نامزدها هستند وقتی که یک کمپینی ضعیف باشد، اصولاً گیج و گم در رسانه‌های خطوطی را از نامزدها می‌بینیم. من در گام اول انتقاد بزرگم از عدم طراحی و حضور بیمارگونه کمپین‌های همه نامزدهاست. مشخصاً هیچ نامزدی کمپین مشخص و براساس اصول و طراحی ندارد.

چارچوب این کمپین‌ها چیست که می‌فرمایید هیچ کدام از نامزدها ندارند؟

چارچوب کمپین از هدف‌گذاری، شعار، ادبیات‌سازی و ادراک‌سازی است که در نهایتاً به موج‌آفرینی، مشارکت و حضور اجتماعی مردم خاتمه پیدا می‌کند. کمپین‌ها باید از همه این طیف برخوردار باشد. پس اولین ایراد به کمپین‌های نامزدها باز می‌گردد.

تا از این بخش مناظرات خارج نشدید به نظر می‌رسد بعد از اتفاقات مناظرات سال ۸۸ شاید رسانه ملی و حتی خود نامزدها و طرفداران آنها به دنبال این هستند که مناظرات خیلی چالشی نباشد. اصلاً چقدر باید مناظرات چالشی باشد و آیا این موجب بی‌اخلاقی در مناظرات نمی‌شود؟

اصولاً پختگی نامزد به علاوه پختگی حزب و کمپین موجب می‌شود که غوغاسالاری و زردسالاری شکل نگیرد. پس راه‌حل پختگی است و راه‌حل مردگی نیست. مردگی خط و نشان کشیدن و جلوگیری از بروز است اینکه فرد فرصت بروز نداشته باشد و خیلی در چارچوب باشد، مردگی است. من اسم این را اخلاق‌مداری نمی‌گذارم و از نظر من فضای عدم‌پختگی و ناپختگی سیاسی موجب می‌شود افراد به جدال و رقابت ورود نکنند، اما اگر پخته باشند می‌دانند که باید جلوی هیجانات خود را چطور بگیرند و می‌دانند تا کجا اجازه جلو رفتن و پیش روی دارند.

به نظر شما مردم چقدر از چالش را می‌پسندند؟ طبیعتاً بخشی از مردم ممکن است حتی توهین بین نامزدها را هم بخشی از ملزومات انتخاباتی بدانند.

باید دو مسئله را از هم جدا کرد، مسئله اول این است که عرصه سیاست در کنار عرصه ورزش و هنر، بزرگ‌ترین تفریح مردم جهان است یعنی جدای از اینکه سیاست کارکرد سازندگی و پیشرفت دارد یک عرصه تفریح و وقت گذاشتن است سر این قضیه مهم است که امر سیاسی جلوه داشته‌باشد و این فقط در جمهوری اسلامی ایران هم نیست. امر سیاسی نیاز دارد در تمام دنیا دارای جلوه باشد و عملاً محدود شدن به استدلال، حرف و جنبه‌های شناختی هم به کمپین و هم به امر سیاسی ضربه‌زننده است. یعنی آرام‌آرام امر سیاسی را تبدیل به داستان حسین کرد شبستری و کلیات ابوالبقا می‌کند. امر سیاسی باید با زندگی مردم پیوند داشته‌باشد، امر سیاسی باید بتواند موج‌آفرینی کند، این مسئله خیلی مهم است. البته کنترل‌ها حتی حاکمیتی و دولتی هم نیست، بلکه خودسانسوری است و خود افراد فکر می‌کنند نباید ورود کنند. خیلی از مواقع هم عملاً طراحی نادرست بستر و میدان است یعنی شما وقتی که مجری‌ای را دارید که عملاً زمان‌سنج است، وقتی که خیلی مقدمات و حواشی گفته می‌شود، اصولاً وقتی پیدا نمی‌کنید که صحبت جذاب داشته‌باشد.

اخیراً مناظرات بین بایدن و ترامپ را در سی‌ان‌ان داشتم می‌دیدم، طی یک ساعت و ۳۰ دقیقه‌ای که مناظره برگزار شد، اولاً با ریتم تند برگزار شد، هر نفر دو دقیقه می‌توانست صحبت کند و رفت و بازگشت یک دقیقه‌ای بین نامزدها بود و زمان‌سنجی را هم خارج از دید مخاطب انجام می‌دادند.

می‌توانم این گونه مثل بزنم که بعضی از مواقع در مشاهده مسابقات رالی خطوط خیابان و خطوط مسیر به چشم می‌آید، ولی بعضی از مواقع از آنقدر از رالی لذت می‌بریم که اصلاً این خطوط به چشم ما نمی‌آید. به نظر می‌رسد در فضای سیاسی در یک طراحی درست رسانه‌ای اصلاً ما خط‌ها، تابلوها و مواردی از این دست را نباید ببینیم و مردم باید آگاه شوند و از این آگاه شدن خود لذت ببرند.

مثال دیگر فرض کنید در فضای رسانه‌ها یکی از آنها کتاب است و در کتاب عالی‌ترین کتاب، کتاب دین و قرآن است حالا وقتی که با تجوید یا با قرائت مجلسی قرآن را می‌خوانید و گوش می‌دهید آگاهی و لذت با هم شکل می‌گیرد. لذا اینکه ما بخواهیم آگاهی را فقط در قالب سخنرانی‌های پشت سر هم داشته‌باشیم، جنبه‌های جذاب بحث ذبح می‌شود و این اتفاق نادرست است.

> عملاً رسانه‌ها سه کارکرد اصلی می‌توانند داشته‌باشند. کارکرد اول فضاسازی انتخاباتی و ایجاد شور و نشاط در جامعه برای افزایش مشارکت است. کارکرد دوم آشنایی جزئی‌تر با نامزدها و دیدگاه‌های آنهاست که این مسئله در مناظرات و گفت‌وگوها می‌تواند جزئی‌تر بیان شود و باید به مشخصات و ویژگی‌های اصلی هر کدام از نامزدها برسند و نکته سوم که مهم است و آن را کمتر می‌بینیم، مسئله انعکاس صدای مردم و برنامه‌های زمان‌بندی‌شده و تعهدهای نامزدها در کوتاه‌مدت و درازمدت است. به نظر می‌رسد این سه در کنار هم می‌تواند فضایی را ایجاد کند تا افراد در انتخابات حاضر شوند

خب این نوع مناظره‌های امریکایی که گفتید چقدر قابل‌الگو برداری است؟

یک جنبه مثبت آن را گفتم یک جنبه منفی آن را هم بخواهم بگویم اینکه می‌دیدیم بزرگ‌ترین دغدغه آنها این است که آقای بایدن نمی‌تواند جملات خود را به پایان برساند یعنی می‌بینید یک انتخاباتی شکل گرفته در کشوری که ادعای دموکراسی دارد بعد به نامزدش می‌گوید چرا تو نمی‌توانی جملاتت را به پایان‌برسانی حالا در کشور ما ماشاءالله نامزدها خوش صحبت هستند، اما این خوش‌صحبتی خیلی از مواقع برنامه‌محور نیست، همچنین این خوش‌صحبتی برای مردم جذاب نیست و پیوندی با مشکلات مردم ندارد.

لذا من در کنار اینکه مشکل اول را از ضعف کمپین نامزدها می‌دانم ولی مشکل دوم را عملاً از همین پرهیز یا عدم جسارت رسانه‌ای می‌دانم در حالی که کسی که باید پرهیز داشته‌باشد، کاندیداها هستند و رسانه‌ها باید بتوانند پشت سر هم مانند جلسات خوبی که پرسش‌های کارشناسان از نامزدها و نزدیکان آن برگزار شد، این کار را انجام دهد. این یکی از اتفاقات خوبی بود که باید خیلی پررنگ می‌شد و حتی همان آرایش به مناظرات اصلی نامزدها هم وارد می‌شد، یعنی به جای یک مجری زمان‌سنج، مجری حذف می‌شد و عملاً نامزدها و کارشناسان بودند. در حالی که بیشترین برنامه‌ای که دیده می‌شود، مناظرات کلی است ولی احتمالاً خیلی تعجب‌آور خواهد بود، اگر میزان انتشار ویدئوها و نظر مردم را ببینید، گفت‌وگوی کارشناسان با نامزدها و همراهان بیشتر جذاب بود و بیشتر محتواداشت از خود مناظرات اصلی بیشتر همراهی می‌گرفت. این مسئله باید آسیب‌شناسی شود و لازم است طراحی رسانه‌ای برای صراحت و مشخص شدن مرز کاندیداها انجام شود.

یعنی چه مرز کاندیداها با یکدیگر مشخص نبود؟

یعنی در مسائل تفاوت دیدگاه آنها با هم روشن نبود، در این مسئله شاید باید چند اتفاق می‌افتاد که یکی از آنها استفاده از حوزه محتوایی است که آن را خلاصه می‌کند. ما نیاز به داده‌های کمکی یا گرافیکی داریم که نشان دهد در فلان قضیه اصل بحث و تفاوت دیدگاه این شش نامزدی که آمده‌بودند چه بود. حرف‌ها گفته می‌شد، ولی تمایزها مشخص نبود و بیشتر بحث‌ها در مورد عقبه سیاسی افراد بود که موجب دیده‌شدن آنها می‌شد، یعنی فقط مطرح می‌شد فلانی متعلق به این حزب و فلانی متعلق به آن یکی حزب است. در اینجا وارد آسیب‌شناسی سوم می‌شویم. در کنار کمپین و رسانه، سومین آسیب‌شناسی کنشگری خود نامزدهاست. کنشگری خود نامزدها به معنای زبان بدن، تسلط بر بیان و به معنای رسیدن به ادبیات جذاب و حفظ بودن آمارها، ارقام و تسلط بر شرایط است.

دلایل اینکه چنین مواردی را کمتر شاهد بودیم، چیست؟

یکی از دلایل آن می‌تواند این باشد، حادثه‌ای که اتفاق افتاده موجب شده آمادگی قبلی در بین نامزدها وجود نداشته‌باشد و طی دو هفته وارد رقابتی شدند که مانند مسابقه سنگینی است برای کسی که هنوز به وزن ایده‌آل خود نرسیده و شرایط ایده‌آل خود را ندارد. برای همین موضوعات خلاف رفتن و کنش نامناسب نامزدها خیلی به چشم می‌رسید و کنش‌گیری نامناسب نامزدها نشان می‌داد به هیچ عنوان در بازه خوب خود تعریف نمی‌شوند.

به عنوان جمع‌بندی بحث با توجه به فرصت کمی که تا انتخابات هست، رسانه اگر بخواهد اقدامی انجام دهد که مشارکت را بهتر کند، چه باید انجام دهد؟

به نظر من رسانه قطعه‌ای از پازل است و همه فشار را نباید به رسانه آورد. اتفاقی که الان می‌افتد این است که ما در همه اجزای رقابت سیاسی و کنش انتخاباتی نیاز و ضرورت به بازنگری و بازطراحی را می‌بینیم. قطعاً این مسئله مربوط به چند روز آینده نیست و دید کوتاه‌مدت و اینکه همیشه همه مسائل را سر رسانه بخواهیم خرد کنیم، ساده‌ترین روش است، ولی رسانه در این دو، سه روز باید حواشی را کم کند و خیلی از خط کشی‌ها و قوانین لازم نیست در رسانه‌ها گفته شود و نامزد باید آنها را خودشان رعایت کند و از قبل باید با نامزد و ستاد نامزد به توافق رسید چنان که در مناظره سی ان ان هم گفته شد حضور نامزدها به معنای پذیرفتن همه قواعد مناظره است و لازم نیست همه اینها در مناظره گفته شود. از سوی دیگر هم نامزدها باید جسارت خود را بالا ببرند و هم مجری توانایی پرسش صریح‌تر سؤال داشته باشد. اصولاً خنثی کردن و حذف کنشگری مجری بزرگ‌ترین ضربه است. مفهومی به نام یخ‌شکنی داریم و در اینجا باید یخ مناظرات شکسته شود و این با کنشگری مجری است که بتواند سؤالات صریح بپرسد و در حالی که نامزد محترم برای پرداختن به حواشی فرصت نداشته‌باشد، باید بتواند اصل مطلب را بگوید.

گزارش ۲

مهسا گربندی

گرانی شهریه مدارس غیردولتی انتهاندارد!

قرار بود مسئولان آموزش و پرورش برای سال تحصیلی جدید، سازوکاری تعیین کنند تا ترمز گرانی شهریه مدارس غیردولتی کشیده‌شود، اما شرایط به گونه‌ای پیش رفت که گویی آب از آب تکان نخورده‌است و همه چیز به نفع مدارس غیردولتی پیش می‌رود تا آنها برای بار دیگر بتوانند شهریه‌های گران دریافت کنند. به تازگی رئیس سازمان مدارس غیردولتی گفته که برخی از این مدارس شهریه ۸۰ تا ۹۵ میلیون تومانی را درخواست داده‌اند، البته هزینه سرویس، غذا، میان‌وعده و لباس فرم خارج از شهریه مدارس است!

متأسفانه در پس همه کارهایی که گفته می‌شود برای سازماندهی شهریه مدارس غیردولتی انجام می‌شود، هیچ اقدام ویژه‌ای برایش انجام نمی‌شود، چراکه هنوز تعدادی از این مدارس به خود اجازه می‌دهند تا شهریه‌های گران‌قیمت طلب کنند. بدتر اینکه روز به روز مدارس دولتی ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود و با پر و بال دادن به مدارس غیردولتی و تعیین شهریه‌های سرسام‌آور، آنها هستند که قوی و قوی‌تر می‌شوند. موضوعی که بارها و بارها نسبت بدان هشدار داده شده‌است، اما مگر گوشی برای شنیدن آن وجود دارد؟

حداقل و حداکثر شهریه

روز دوشنبه احمد محمودزاده، رئیس سازمان مدارس غیردولتی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به اینکه شهریه مدارس برای سال تحصیلی جدید براساس مواد ۱۵ و ۱۶ قانون تأسیس مدارس غیردولتی به استان‌ها ابلاغ شد، گفت: «در سه سال گذشته شهریه برخی مدارس غیردولتی بسیار پایین بود، به عنوان مثال سال گذشته شهریه ۵میلیون و ۶۰۰ هزار تومانی داشتیم و این ارقام باعث لطمه به مدارس و افت کیفیت نیروی انسانی می‌شد.» او ادامه داد: «سقف و کف شهریه تمام مدارس مشخص است و میانگین شهریه مدارس غیردولتی از ۱۰میلیون تا ۸۰ میلیون تومان است، البته برخی مدارس شهریه ۸۰ تا ۹۵ میلیون تومانی را درخواست داده‌اند که هنوز به توافق نرسیدیم و ۷۵ درصد مدارس شهریه ۱۰ تا ۳۰ میلیون تومانی دارند.» محمودزاده با اعلام اینکه در مدارس غیردولتی سه نوع شهریه ثابت و فوق‌برنامه درسی و غیردرسی دریافت می‌شود، تصریح کرد: «هزینه سرویس، غذا، میان‌وعده و لباس فرم خارج از شهریه مدارس است، از طرفی برخی مدارس ممکن است بابت فعالیت‌های آموزشگاهی مانند کلاس زبان شهریه‌ای دریافت کنند. برخی مؤسسان این ارقام را با هم جمع و به‌عنوان شهریه کلی مدرسه اعلام می‌کنند.»

این اظهارنظر از سوی رئیس سازمان مدارس غیردولتی به خوبی نشان می‌دهد که نه‌تنها مجوز دریافت شهریه چند ده میلیون تومانی در این نوع مدارس صادر شده‌است، بلکه حتی آنها می‌توانند برای سایر خدمات چون سرویس و غذا، هزینه‌های دیگری را نیز از خانواده‌ها دریافت کنند. این خلاف آن سازوکاری است که پیش‌تر وعده‌اش را داده بودند.

سود حاصل از تعارض منافع

ابراهیم سحرخیز، معاون اسبق وزارت آموزش‌وپرورش در رابطه با شهریه گران مدارس غیردولتی به «جوان» می‌گوید: «مدارس غیردولتی علاوه بر شهریه‌ای که از والدین می‌گیرند، بابت خدماتی مثل ایاب و ذهاب و تورهای گردشگری مبالغ دیگری را نیز به خانواده‌ها تحمیل می‌کنند. حال اینکه نظارت کافی از سوی آموزش و پرورش وجود دارد یا نه یک پرسش است که باید بدان پاسخ داده شود.» او ادامه می‌دهد: «متأسفانه یکی از آسیب‌هایی که در قانون مدارس غیردولتی وجود دارد و باید مورد بازنگری قرار بگیرد، موضوع سازوکار نظارت بر این مدارس است که این کار بر عهده شورای نظارت بر مدارس غیردولتی است؛ به نظر می‌رسد این شورا از تعارض منافع سود می‌برد، بدتر اینکه شاهد آن هستیم برخی از مسئولان، خودشان صاحب یک مدرسه غیردولتی هستند و همان‌ها در شورا عضو شده‌اند و به تخلفات و جرائم مدارس خودشان رسیدگی می‌کنند! نکته عجیب‌تر اینکه برخی از صاحبان مدارس غیردولتی به قدری بانفوذند که می‌توانند شخص وزیر را هم در مضیقه قرار دهند! این چنین افراد در وزارتخانه و شورا که سهل است، در جاهای دیگر هم می‌توانند نفوذ پیدا کنند.»

جای خالی سازمان تعزیرات در شورای مدارس غیردولتی

اما راهکار حل این مشکل و مقابله با این تعارض منافع چیست؟ سحرخیز در این رابطه پاسخ می‌دهد: «در همان دوران که مسئولیت در حوزه آموزش و پرورش داشتم، پیشنهاد داده‌بودم که از سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان بازرسی، حداقل یک نفر در شورای مدارس غیردولتی عضو شود تا به عنوان مدعی‌العموم یا حامی مصرف‌کننده اقداماتی را انجام دهد، به نحوی که مثلاً اگر تخلف صورت گرفت خودش مستقیماً وارد میدان شود و منتظر این نباشد که آقای وزیر و معاونانش به او اجازه چنین کاری را می‌دهند یا نه.» معاون اسبق وزارت آموزش‌وپرورش در رابطه با تمایل خانواده‌ها به ثبت‌نام فرزندشان در مدارس غیردولتی می‌گوید: «شهریه‌های سرسام‌آور در برخی از مدارس غیردولتی گرفته می‌شود و افراد با وجود اینکه مستأجر هستند و هزینه‌های زندگی را به سختی تأمین می‌کنند با وام و قرض تمام تلاششان را می‌کنند که فرزندشان را به این مدارس بفرستند، چراکه امیدی به مدارس دولتی ندارند.»

مدارس خاصی که خاص نیست!

سحرخیز با بیان اینکه آموزش تبدیل به بیزینس شده‌است، اظهار می‌دارد: «از همان روزی که مدارس غیردولتی را تأسیس کردیم و به آنها پروبال دادیم، یعنی آموزش را به کالا تبدیل کردیم. خانواده‌ها هم همانند یک مشتری به این مدرسه و آن مدرسه می‌روند تا بهترین خدمات آموزشی را برای فرزندشان انتخاب کنند.» او به مدارس خاص که دانش‌آموزان برتر را گزینش می‌کنند و پز آموزش و پرورش باکیفیت را می‌دهند نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه مدارس خاصی در کشور وجود دارد که بعد از گرفتن آزمون، دانش‌آموزان را ثبت‌نام می‌کنند، آنها جمعیت زیادی از دانش‌آموزان را که پشت در صف کشیده‌اند، گزینش می‌کنند و برترین‌ها را می‌پذیرند! در نهایت هم این دانش‌آموزان برتر در کنکور رتبه خوب می‌گیرند، اما هیچ‌وقت آنها نمی‌گویند که همه این دانش‌آموزان معدل بالا داشتند و حتی اگر به یک مدرسه عادی خوب هم فرستاده می‌شدند در کنکور رتبه می‌آوردند.»

چه باید کرد؟

شلوغی مدارس دولتی خانواده‌ها را عاصی کرده‌است. در این رابطه سحرخیز تصریح می‌کند: «چنان بلایی سر مدارس دولتی آوردند که عمده خانواده‌ها از آن فرار می‌کنند. آنها دلشان نمی‌خواهد که فرزندشان را در مدرسه ۴۰ یا ۵۰ نفره بفرستند، مدارس دولتی که علاوه بر شلوغی مسائل دیگری نیز در آن دیده می‌شود. به همین دلیل آنکه پولدار است حتماً فرزندش را به مدرسه دولتی نمی‌فرستد و آنکه پول ندارد هم هر طور شده پول جور می‌کند تا فرزندش را به مدرسه درجه دوم یا سوم غیردولتی بفرستد.» او در پاسخ به این سؤال که راهکار خروج از این مشکل پیش آمده چیست، می‌گوید: «تنها راهکار این است که همه تلاشمان را کنیم تا مدارس دولتی تقویت شوند. برای حضور دانش‌آموزان در مدارس دولتی میان خانواده‌ها اعتماد ایجاد کنیم. برای معلمان انگیزه ایجاد کنیم تا در مدارس دولتی بدرخشند. باور کنید که در مدارس غیردولتی شق‌القمر نمی‌کنند. فقط استانداردهایی که باید برای آزمون رایگان باشد در آنجا کمابیش رعایت می‌شود و همین به نفع مدیران این مدارس و به ضرر خانواده‌ها تمام شده‌است.»